

تحلیل گفتمان مناظره تلویزیونی در انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران (خردادماه ۱۳۸۸)

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵، پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۳

حسن بشیر، علی احسانی فر*

چکیده

در این مقاله، متن مناظره تلویزیونی محمود احمدی نژاد و میرحسین موسوی، در چارچوب انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران (خردادماه ۱۳۸۸) بررسی شده است تا با مطالعه گزاره‌های اساسی مطرح شده این دو نامزد اصلی انتخابات دهم، محورهای مهم گفتمانی آنان مشخص شود. مقاله حاضر با استفاده از الگوی تحلیل گفتمانی پدام تهیه شده، که شامل سطوح پنجگانه «سطح سطح»، «عمق سطح»، «سطح عمق»، «عمیق» و «عمیق تر» است.

سوال اصلی تحقیق آن است که دو نامزد جدی انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران، در کنار اثبات خود، از چه محورهای گفتمانی برای نقد و تخطئه عملکرد دیگری استفاده کرده اند.

براساس نتایج به دست آمده، در این مناظره، موسوی، ناکارآمدی دولت نهم را تئوریزه کرده است و مقبولیت احمدی نژاد را در نتیجه سیاست فرهنگی بسته اش، از دست رفته دیده است. سیاست‌های او را افراط و تفریطی و دارای تبعات منفی دانسته و استبداد و قانون گریزی دولت را مغایر با آموزه‌های امام (ره) معرفی کرده و احمدی نژاد را برای کسب مجدد قدرت، متهم به فرافکنی کرده است.

احمدی نژاد هم ضمن دفاع از عملکرد دولت و تئوریزه کردن کارشکنی و تخریب علیه دولت، عملکرد دولت جنگ موسوی و حامیانش و همچنین مواضع سیاسی موسوی و حامیانش را نقد کرده و قانون شکنی او و حامیانش را نیز تئوریزه کرده است. به بیان دیگر، هر دو نامزد کوشیده اند با تمسک به شواهد و مدارک ادعایی خود، همان چیزهایی را که دیگری به او نسبت داده، رد کند و اتفاقاً به او نسبت دهد. واژگان کلیدی: مناظرات انتخابات دهم، محمود احمدی نژاد، میرحسین موسوی، تحلیل گفتمان پدام.

* استاد تمام دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران.
bashir@isu.ac.ir

** کارشناسی ارشد ارتباطات، دانشگاه صدا و سیما. (نویسنده مسئول)

مقدمه

مناظره تلویزیونی^۱، به عنوان یک پدیده سیاسی و رسانه‌ای، در تکمیل نقش تبلیغات انتخاباتی و ارتقای آگاهی مردم برای مشارکت در انتخابات، نقش بسزایی دارد. اولین نمونه از مناظره‌های تلویزیونی در ایران، به سال ۱۳۵۸ و جریان رویارویی شهید بهشتی و کیانوری دبیرکل حزب توده ایران و افرادی دیگر باز می‌گردد اما مناظره‌های دو به دوی نامزدهای ریاست جمهوری در تلویزیون، کم سابقه تر است و به انتخابات دهم در خردادماه ۱۳۸۸ می‌رسد. در سیزدهم خردادماه، جدی‌ترین رقیبان حاضر در این انتخابات؛ یعنی محمود احمدی‌نژاد و میرحسین موسوی، در پرریننده ترین مناظره که در ضمن، مطابق آمار مرکز تحقیقات صداوسیما، پرریننده ترین برنامه زنده تلویزیونی ایران تا آن زمان هم بود، مقابل یکدیگر قرار گرفتند. تحقیق حاضر، برای تعیین محورهای مهم گفتمانی این دو نامزد انجام شد تا ضمن شناخت میزان بهره‌گیری آنان از ظرفیت تبلیغاتی مناظره، میزان آگاهی آن دو از مسائل جاری جامعه و اولویت‌های ایران در آن مقطع حساس از نظر برجسته‌ترین داوطلبان عهده‌داری مسئولیت‌های اجرایی کشور، بررسی شود.

در افقی وسیع‌تر، بررسی دقیق این مناظره‌ها با توجه به تجربه جنجال‌های پس از مناظره آن دو، می‌تواند راهنمای متولیان رسانه ملی برای بهینه‌کردن مناظرات احتمالی آینده باشد.

تعریف مفاهیم

مناظره^۲

مناظره، از «نَظَر» مشتق شده است؛ یعنی «با تأمل نگاه کرد» و در آن چیز اندیشید. غرض از مناظره، مباحثه پیرامون دو رای متقابل است و هر یک از طرفین مناظره، عهده‌دار تایید یکی از دو جانب بحث برای ایجاد علم در طرف مقابل است و لذا مناظره، به آموزش ملحق می‌شود (غروی‌ان، ۱۳۸۷، ۴۲). همچنین:

گفتگوی دو یا چند نفر درباره موضوعی که بحث کنندگان در آن اتفاق نظر نداشته باشند و هر کس بکوشد تا با آوردن دلایل و شواهد، نظر خود را ثابت کند. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳، ۲۵۱)

کارکردهای مناظره

در هر مبارزه انتخاباتی، نامزد باید گفتمان تبلیغاتی خود را به گونه‌ای تنظیم کند که از عهده سه کارکرد برآید:

۱. شایستگی خود را برای احراز مقام ریاست جمهوری بیان کند (کارکرد تمجید یا اظهارات مثبت)
۲. صلاحیت رقیب یا رقیبان خود را برای احراز این مقام مورد حمله قرار دهد (کارکرد حمله و اظهارات منفی)
۳. حملات رقیب یا رقیبان را پاسخ دهد و از خود دفاع کند (کارکرد دفاع) (سید امامی، ۱۳۸۸: ۷۷ و ۷۸)

گفتمان^۳

برای گفتمان، تعاریف گوناگونی وجود دارد. در اینجا به چهار تعریف کوتاه اشاره می‌شود. فرکلاف معتقد است که هر نوع کلام، گفتار یا نوشتاری اجتماعی است و ماهیت و ساختار اجتماعی دارد (Fairclough, 1991). پاکتچی از ویژگی ارتباط در گفتمان نام برده و می‌گوید «گفتمان بستر ارتباط است؛ بستری که ارتباط را معنادار می‌کند» (پاکتچی؛ ۱۳۹۱: ۳۳۶). به عبارت دیگر، گفتمان، ایجاد نوعی از روابط میان الفاظ، موقعیت، فرامتن‌ها، و گفتمان‌های دیگر است که در نتیجه این ارتباط، معنا در ذهن مخاطب یا قرائت‌کننده تولید می‌شود.

مک دانل^۴ گفتمان را هر نوع گفتار و نوشتاری می‌داند که در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد. (گلبخشی، ۱۳۸۷، ۱۲) گفتمان، مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که یک مفهوم کلی را در بر می‌گیرد. مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها، در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر کدام به تنهایی مفهوم خاص خود را دارند اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون، معانی متفاوتی می‌یابند. (بشیر و حاتمی، ۱۳۸۸، ۹۸)

تحلیل گفتمان^۵

روش تحلیل گفتمان، همان‌گونه که یکی از برجسته‌ترین اساتید آن به نام تیون.ای.ون.دایک مطرح می‌کند، «تحقیق در زبان‌شناسی، واژه‌شناسی و نشانه‌شناسی متن نوشته‌ها و گفته‌هاست». به عبارت دیگر معنا و مفهوم به دست آمده از مطالعه و تحقیق در یک متن نوشته‌شده، تنها در چهارچوب همان متن محصور نمی‌شود، بلکه عوامل و شرایط مختلف

بردن چنین معانی ای چه نبیتی داشته و کاربرد آنها چه معانی یا دلالت‌هایی را در پی دارد. ... تلقین چیزهایی را شامل می‌شود که متن به وسیله آنها درصدد ذهنیت‌سازی است. تداعی، یادآوری مفاهیم و تعابیر ناگفته در یک متن است. (فرقانی، ۱۳۸۲)

چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله بر پایه دو نظریه است که به اختصار در اینجا مطرح می‌شوند.

۱- نظریه گفتمان

ایده کلی نظریه گفتمان این است، که نظریه‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچگاه نمی‌توانند، برای همیشه تثبیت شوند، و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت باز می‌گذارد، که خود تأثیرات اجتماعی به همراه دارد. وظیفه تحلیلگران گفتمان، نشان دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا بر تمامی سطوح امر اجتماعی است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴). در حقیقت، گفتمان؛ چالش‌های گفتاری متأثر از منابع خاص، با سطحی از فراگیری و مطالبه‌گری، که منجر به بروز رفتارهای متأثر از آن چالش‌ها شده است (بشیر، ۱۳۹۵: ۲۰۵).

گفتمان در همه مطالعات از دو نگاه مهم برخوردار است؛ گفتمان به مثابه نظریه و گفتمان به مثابه روش. بنابراین، تحلیل گفتمان، به عنوان یک روش نمی‌تواند، خارج از نگاه نظری باشد.

نظریه گفتمان با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های گوناگون در زندگی اجتماعی و سیاسی سروکار دارد. این نظریه به تحلیل شیوه ای می‌پردازد که طی آن سیستم‌های معانی یا گفتمان‌ها چگونه در جامعه پیاده‌سازی شده و ایده‌ها و اندیشه‌های گوناگون هژمونیک می‌شوند. نظریه گفتمان از علوم تفسیری مانند هرمنوتیک پدیده‌شناسی، ساختارگرایی و شالوده‌شکنی الهام می‌گیرد. رهیافت گفتمان باشیوه فهم و اندریافت ماکس وبر نیز شباهت‌هایی دارد (استوکر و مارش، ۱۳۸۴: ۱۹۵).

گفتمان‌ها نقش اساسی در ترجیح برخی از ایده‌ها بر دیگر ایده‌ها و به مرکزیت در آوردن یا به حاشیه راندن آنها دارد. به گفته لاکلا این گفتمان‌ها هستند که گزاره‌های

زمانی، مکانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی اخلاق و رفتار فردی، در ایجاد معنای کامل^۱ یک متن، دخالت داشته و تصویر کامل از معنای یک متن را به دست می‌دهند. (بشیر، ۱۳۸۵، صص ۱۷-۱۶)

در مورد تحلیل گفتمان تعاریف مختلفی وجود دارد. علاوه بر آنچه که در بالا گفته شد در اینجا دو تعریف آورده می‌شود. بنونسیت^۲ تحلیل گفتمان را تجلی زبان در فرایند ارتباط می‌داند (Jaworski & Coupland, 1999: 110) در اینجا تأکید بر ارتباط، به عبارت دیگر، تأکید بر معنا است و شیوه‌های ادراک بین ارتباطگران است. یکی دیگر از تعاریف جدید در این زمینه که در فرایندسازی تحلیل به روش پدام مفید است، تعریف جی است.

جی، گفتمان را فکر و تحلیل گفتمان را تحلیل فکر می‌داند (Gee, 1999). این تعریف بیانگر این است که تحلیل گفتمان تنها دست‌یابی به معنای متن با توجه به زمینه خلق متن نبوده، بلکه فراتر از آن، توجه به این که معنای به دست آمده، چه فکر و اندیشه ای را مطرح می‌کند. در حقیقت، در تحلیل گفتمان به سیر تحول یک فکر توجه می‌شود. این خود بیانگر این است که در این تحلیل باید به فرایندسازی معنایی در خلق فکر توجه اساسی شود.

ویژگی‌های تحلیل گفتمان

(۱) قطب بندی یا غیرسازی (ارزش‌های منتسب به «خود» و «دیگری»)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان و ایدئولوژی، قطب بندی و دوانگاری است؛ به این صورت که گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌ها، با تفکیک و تمایز «خود» و «دیگری» با غیرسازی و نسبت دادن ویژگی‌های (منفی) به «دیگری»، «خود» را به صورت مثبت تعریف می‌کنند [لذا] هویت و معنای «خود»، نه امری ذاتی و طبیعی، بلکه ناشی از تقابلی است که با «دیگری» صورت می‌گیرد». (مهدی زاده، ۱۳۸۷، ۱۱)

(۲) دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی)

در مرحله تحلیل و تفسیر متن، شناخت مفاهیم و دلالت‌های ضمنی به محقق کمک می‌کند تا در تحلیل خود به این مطلب برسد که در فلان گزاره چه معانی غیر صریح و غیر آشکاری وجود داشته است. اینکه کنشگر متن از به کار

بود. مهندس موسوی، نخست وزیر دوران جنگ و نامزد منتسب به اصلاح طلبان- که البته خود را اصلاح طلب اصولگرا معرفی می کرد- پس از ۲۰ سال سکوت، وارد این عرصه شده بود و دو نامزد دیگر هم، پای ثابت چند انتخابات اخیر بودند؛ یعنی حجت الاسلام والمسلمین کروبی (دبیرکل حزب اعتماد ملی) با کابینه‌ای شناخته شده و با سابقه و نیز دکتر رضایی، فرمانده اسبق سپاه پاسداران و مدعی همیشگی «جریان سوم» که البته با توجه به سنجش وزن این دو، به نظر می رسید رقابت جدی، بین احمدی نژاد و موسوی باشد. (انتخابات آمد، ۱۳۸۸، ص ۱۵) در حوزه اقتصاد، افزایش شدید بهای نفت تا مرز ۱۶۰ دلار و در نتیجه افزایش درآمد دولت، تورم و گرانی کم سابقه (مسکن و ...) که بخشی از آن، نتیجه مستقیم سیاست‌های اقتصادی دولت بود، باعث شد که توقعات ایجاد شده از دولت نهم، کاملاً برآورده نشود و نارضایتی مردم در قبال آن، شدت بگیرد. در عرصه سیاست داخلی هم تغییرات مکرر مدیران عالی، وزرا و استیضاح یا برکناری ۱۰ تن از آنان توسط مجلس هشتم و دولت و همچنین انحلال شوراها، از مهمترین مسائل بود. در عرصه سیاست خارجی، انکار هولوکاست و حذف اسرائیل از روی نقشه مطرح شد؛ همچنین شورای امنیت، درباره پرونده هسته‌ای ایران، سه قطعنامه صادر کرد، تضاد بین ایران و اعراب افزایش یافت و نخستین دور مذاکرات رسمی ایران و آمریکا در سه مرحله صورت گرفت. البته سیاست خارجی دولت، متوجه کشورهای بیشتری شد؛ به طوری که سطح روابط ایران با آمریکای لاتین و آفریقا، گسترش محسوسی یافت. با توجه به مجموعه این تحولات اساسی، به علاوه پیروز شدن اصولگرایان منتقد دولت در سومین دوره شوراها و به ویژه پیروزی اکثریت آنان در انتخابات مجلس هشتم، انتظار می رفت دولت، با انتقادات جدی تری هم روبرو شود. با این تفصیل، دور از انتظار نبود که محورهای اساسی انتقاد سه نامزد مقابل رئیس دولت نهم- که اکنون رقیب آنان هم بود- حول قانون‌گریزی، عملکرد اقتصادی، تلاش دولت برای کتمان ناکارآمدی‌ها، نداشتن تعامل مناسب با مجموعه نخبگان، امنیتی کردن فضای جامعه و بی توجهی دولت به آزادی‌های مدنی (حقوق شهروندی) و امثال آن شکل بگیرد.

از سوی دیگر، دولت نهم هم نزد مردم، صاحب ویژگی‌هایی بود که با اتکا به آن می توانست به حفظ آرای

درست و نادرست را تولید می کنند و عاملان و نهادها ی اجتماعی را و می دارند بر اساس این گزاره ها عمل کنند (لاکلا، ۱۳۷۹: ۲۶).

در فرایند تولید گفتمان، معنا و فرایندسازی معنا برای تحقق هژمونی گفتمانی اهمیت زیادی دارد. در حقیقت، گفتمان ها نقش اساسی در تثبیت معنا، گر چه به شکل موقت، دارند. دست یابی به هژمونی که غایت یک گفتمان به شمار می رود، به کمک تثبیت معنا امکان پذیر خواهد بود. اگر یک گفتمان نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی جامعه تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک خواهد شد (Laclau, Mouffe, 1985: 44)

بنابراین، گفتمان بر اساس هژمونیک شدن معناها، ایده‌ها و اندیشه ها است. در همین راستا می توان گفت که تحلیل گفتمان یک تحلیل تفسیری و معناشناسانه از گفتمان است. به قول جورسکی و کاپلند تحلیل گفتمان همواره تفسیری است؛ تفسیر تحلیل گر از تفاسیر مشارکت کنندگان در گفتمان است. (Jaworski & Coupland, 1999: 12)

۲- نظریه بازنمایی^۱ رسانه‌ای

اگر بازنمایی را آن گونه که استوارت هال می گوید، استفاده از "زبان" برای تولید نکته‌ای معنادار درباره‌ی جهان بدانیم و بر این باور باشیم که معنا در ذات وجود ندارد، بلکه ساخته می شود و نتیجه و محصول یک رویه دلالتی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۲)، سخن گفتن از بازنمایی نامزدها در مناظره ها، قدری ساده تر خواهد بود. بدین ترتیب، حتی این ادعا هم که "کار تحلیل گفتمان، به نوعی، بازنمایی است" بعید به نظر نخواهد رسید؛ چرا که در آن صورت، معنا، به خواننده متن؛ اعم از محقق، گیرنده پیام یا مخاطب، نسبت دادنی است.

اوضاع داخلی و خارجی ایران در مقطع انتخابات دهم ریاست جمهوری

برای نخستین بار در تاریخ ۳۰ ساله جمهوری اسلامی، یک رئیس جمهور مستقر، برای تکرار ریاست چهار ساله اش، با رقیبانی بسیار جدی مواجه می شد. در کنار دکتر احمدی نژاد، سه نامزد دیگر قرار گرفته بودند که بخش اصلی برنامه‌هایشان، بر پایه نقد عملکرد دولت نهم استوار

(جهت‌گیری و گرایش متن) قرار گرفت، آن‌گاه با دیدی کلان‌تر و با توجه به کلیت متن (بافت)، مقصود نامزد در ستون سوم (تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن) قرار گرفت و پس از انجام این مرحله برای متن مناظره هر یک از دو نامزد، نهایتاً جدول سومی رسم شد که حاوی محورهای عمیق و عمیق‌تر گفتمانی آنهاست. مجموعه مواردی که حول یک موضوع، قابل صورت‌بندی بود، در این جداول قرار گرفت و مرحله تبیین؛ یعنی سومین مرحله از تحلیل گفتمان را تشکیل داد.

مجموع این پنج مرحله که در نهایت با یک نگاه فرامتنی و با استفاده از اطلاعات مرتبط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی صورت می‌گیرد، تشکیل دهنده تحلیل گفتمانی مورد نظر خواهد بود. با چنین شیوه‌ای می‌توان اطمینان یافت که با هر مرحله از شیوه پیشنهادی، بخشی از معنا در حلقه‌های مختلف، روشن شود و در مرحله پایانی تحلیل گفتمان، حلقه‌های معنایی مزبور، معنای کامل را البته بر پایه برداشت‌ها و قرائت خواننده ارائه دهد. (بشیر و حاتمی، ۱۳۸۸، صص ۱۰۱-۱۰۰)

یافته‌ها

یافته‌های تحلیل مناظرات در جداول مختلف درج شده‌اند. البته به دلیل اختصار تلاش شد نمونه‌ای از جداول آورده شده و نهایتاً جمع‌بندی مراحل عمیق و عمیق‌تر به شکل تفصیلی آورده شوند.

در جدول ۱- سه مرحله اول تحلیل گفتمان احمدی نژاد در مناظره با موسوی جمع‌بندی شد. این جدول، از ۵۳ گزاره اساسی قابل تحلیل تشکیل و سپس، محورهای بعدی، از آن استخراج شد.

در جدول ۲- سه مرحله اول تحلیل گفتمان موسوی در مناظره با احمدی نژاد جمع‌بندی شد. البته این جدول که از ۵۴ گزاره اساسی قابل تحلیل، تشکیل شده و محورهای بعدی همچون جدول ۱، از آن استخراج شده است، به سبب رعایت اختصار، در این مقاله آورده نشد.

در ادامه هم جدول ۳- به جمع‌بندی دو مرحله چهارم و پنجم (مراحل عمیق و عمیق‌تر) تحلیل گفتمان احمدی نژاد و موسوی در این مناظره پرداخته است. با مطالعه این جدول، می‌توان با بینشی کلی‌تر به محتوای گفتمان هر دو نامزد، نقش و کارکرد اجتماعی متن و ساختارهای فرهنگی،

انتخابات قبل و جمع‌آوری آرای فراوان دیگر، امیدوار باشد؛ ویژگی‌هایی همچون تأکید بر گفتمان امام و انقلاب، رویکرد تهاجمی و غیرمنفعل، عزت‌مندی و استکبارستیزی.

الگوی روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)^۹

تحقیق حاضر با استفاده از الگوی پیشنهادی تحلیل گفتمانی حسن بشیر (پدام)، به بررسی و تحلیل گفتمان این مناظره می‌پردازد. این الگو متأثر از رویکرد تحلیل گفتمانی نورمن فرکلاف و دارای پنج سطح می‌باشد؛ یعنی دربردارنده سه اصل رهیافت نورمن فرکلاف، به علاوه دو سطح عمیق و عمیق‌تر است.

این شیوه بر دو پایه تحلیل لایه‌های «سطح» و «عمق» در چهار بعد «سطح سطح»، «عمق سطح»، «سطح عمق» و «عمق عمق» استوار است.

در «سطح سطح» یا فوقانی‌ترین لایه متن، ساختار بیرونی و شکل بیان یا نمود گفتمان را می‌توان جستجو کرد. «عمق سطح» که عمیق‌ترین لایه سطحی متن است، ساختار درونی یا «محتوای بیان» را در بر دارد. در «سطح عمق» یعنی فوقانی‌ترین سطح از عمق متن، محتوای مشخص متن قرار دارد. انتخاب حوادث داستانی یا خبری یا موضوعات مطرح شده در متن و دلیل این انتخاب، در این لایه از متن واقع شده است. در آخرین یا عمیق‌ترین لایه یک متن، ساختارهای کلان واقع شده‌اند. محتوای گفتمان، نقش و کارکرد اجتماعی متن و نقش آن در فرهنگ و دانش اجتماعی- فرهنگی مخاطب و بالاخره ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و حتی تاریخی در برگیرنده متن، از جمله ساختارهای کلانی هستند که شکل دهنده این عمیق‌ترین لایه متن یعنی «عمق عمق» محسوب می‌شوند. (میرفخرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵)

نکته قابل توجه آنکه مرحله «عمق عمق» در این شیوه تحلیل پیشنهادی شامل دو مرحله است: ۱- مرحله عمیق، ۲- مرحله عمیق‌تر؛ که اولی برای مرحله نسبتاً کلان عمق عمق و دومی برای مرحله کاملاً کلان متکی بر ساختارها و اطلاعات مرتبط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی و تاریخی خواهد بود.

به منظور عملیاتی کردن این شیوه، ابتدا بخش‌هایی از متن مناظره انتخاب شد و در ستون «برداشت از اصل متن» قرار گرفت، سپس جهت‌گیری یا مقصود اصلی نامزد از آن گزاره یا مجموعه گزاره‌ها استخراج شد و در ستون دوم

جدول ۱- جمع بندی سه مرحله اول تحلیل گفتمان احمدی نژاد در مناظره با موسوی

ردیف	برداشت از اصل متن (سطح-سطح)	جهت گیری و گرایش متن (سطح-عمق)	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن (عمق-سطح)
۱	می خواهم از برخوردهای بسیار غیرمنصفانه و ظالمانه؛ بلکه دروغ پردازی های بزرگ و تخریب بی سابقه علیه دولت، گله کنم.	اقدامات اخیر موسوی و حامیانش، تخریب و دروغ پردازی بود.	آنان چون توان رقابت با خدمت رسانی دولت را نداشتند، دست به تخریب زدند.
۲	کار این دولت به اندازه چند دولت است.	هیچ دولتی به اندازه دولت نهم، به مردم خدمت نکرده.	دولت ما بهترین بوده (و هست). اشاره به گفتمان خدمت و عدالت.
۳	خدمات دولت را بدون ارائه یک برنامه به طور مطلق منکر شدند.	از روی ضعف، فقط دست به انکار خدمات زدند.	موسوی و حامیانش، شایستگی حکومت کردن را ندارند.
۴	چرا باید خودمان را این قدر شیفته قدرت نشان دهیم.	موسوی شیفته قدرت است.	تئوریزه کردن شیفتگی قدرت موسوی.
۵	اجازه ندارم از توهین به مردم و توهین به انتخاب مردم و توهین به فهم و شعور مردم و منافع آنها بگذرم.	مردم از من خواسته اند پاسخ توهین ها را بدهم.	حق ندارند به منتخب مردم و دفاع از منافع ملی توسط او حمله کنند.
۶	تنها آقای موسوی نیست، بلکه سه دولت بی دری در برابر من هستند؛ هم آقای موسوی است، هم آقای هاشمی، هم آقای خاتمی.	فشارهای ایام انتخابات، نتیجه اتحاد سه دولت قبلی است.	عامل رویارویی سه دولت گذشته با من، فاصله گیری آنان از مسیر انقلاب و ارزش هاست.
۷	آرام آرام، جریانی شکل گرفت که خود را مالک ملت، مالک انقلاب، حاکم بر مردم و دست خودش را در بیت المال و مسائل کشور باز می دید.	موسوی هم منسوب به جریانی است که دست خود را در بیت المال باز می گذارد.	تئوریزه کردن "اتصال موسوی به مافیای قدرت و ثروت".
۸	آنها در انتخابات قبل، صف آرای کردند اما ملت بر آنها غلبه کرد.	من، نتیجه غلبه "ملت" بر "اتحاد این سه دولت" هستم.	در انتخابات قبل، ملت بر مافیای قدرت و ثروت غلبه کرد.
۹	در این چهار سال تلاش کردند که دولت را ناموفق کنند، ناموفق جلوه بدهند و بشکنند. اما خدای متعال عنایت کرد	کارشکنی های این سه دولت، ناکام ماند.	مقابل کارشکنی ها ایستادیم و اکنون نیز می ایستیم.
۱۰	همان اوایل دولت، آقای هاشمی پیغامی برای یکی از پادشاهان حاشیه خلیج فارس فرستاد که نگران نباشید ظرف شش ماه این دولت ساقط می شود.	هاشمی، فکر ساقط کردن این دولت را در سر داشت.	تئوریزه کردن "توطئه های گسترده علیه دولت".
۱۱	امروز ظرفیت های ملت در حال شکوفایی است؛ بخصوص در سیاست خارجی امروز ملت ایران عزیز است و عزیزترین ملت هاست	ملت ما - آن طور که می گویند - ذلیل نیست.	برخلاف ادعاها، پیشرفته و عزتمندیم.
۱۲	یعنی یک گلستانی را دوستان جناب عالی و متحدان جناب عالی به بنده تحویل داده اند و بنده آن را به یک خرابه تبدیل کرده ام.	عملکرد سه دولت قبل هم، مطلقاً مثبت نبود.	به قصد تخریب دولت، به بزرگ نمایی مشکلات کشور پرداختند.
۱۳	ای کاش شما برنامه ارائه می دادید...	موسوی برنامه ای ندارد.	نداشتن برنامه برای رقابت، منشاء تخریب هاست.
۱۴	در همین عرصه رقابت هم رقابتی بین چهار نفر نیست؛ سه نفر علیه یک نفر.	در انتخابات دهم مثل انتخابات نهم، تنها هستیم.	تئوریزه کردن اتحاد رقبا.
۱۵	این گونه قضاوت های شما بر اساس اطلاعات غلط است و این خیلی بد است.	قضاوت های موسوی غلط است؛ چون اطلاعاتش غلط است.	نقد های موسوی، چون بر مبنای اطلاعات غلط است، وارد نیست.
۱۶	بلر کتباً عذرخواهی کرد. بعد هم ما تفکیک کردیم، به نظر من، این یکی از زیباترین کارهای جمهوری اسلامی ایران بود.	در قضیه ملوان ها، نه افراط-تفریطی؛ بلکه درست عمل کردیم.	قضاوت مغرضانه یا تئوریزه کردن ناآگاهی سیاسی موسوی.

ادامه جدول ۱ - جمع بندی سه مرحله اول تحلیل گفتمان احمدی نژاد در مناظره با موسوی

ردیف	برداشت از اصل متن (سطح-سطح)	جهت گیری و گرایش متن (سطح-عمق)	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن (عمق-سطح)
۱۷	در موضوع عربستان، بر خلاف حرف آقای موسوی [...] در زمان ایشان، رابطه ما با عربستان از اساس قطع شد.	اظهارنظرهای موسوی، منتج از اطلاعات غلط است؛ به علاوه غفلت از ضعف خود در آن مورد.	قضایات مغرضانه یا تئوریزه کردن ناآگاهی سیاسی موسوی.
۱۸	در موضوع فلسطین اشغالی، مواضعشان را مرور کنند. صریحاً اعلام کردند که ما نیروی نظامی می فرستیم در کنار مقاومت فلسطین علیه اشغالگران بچنگند.	مواضع گذشته موسوی - برخلاف امروز - فلسطینی بود.	تئوریزه کردن "افراط و تفریط در مواضع گذشته و حال موسوی".
۱۹	دیپلماسی عمومی، امروز پیشرفته ترین و علمی ترین کار دیپلماسی است؛ [...] اگر بخواهیم در میدان دشمن مبارزه کنیم که شکست خورده ایم.	شبهه ما در سیاست خارجی، دیپلماسی عمومی است (در میدان دشمن بازی نمی کنیم).	مغایرت سیاست خارجی دول پیشین (هاشمی، خاتمی و موسوی) با نوع مورد قبول امام.
۲۰	ما آمدمیم خارج از فرمولی که قدرت های بزرگ طراحی کردند وارد شدیم، و این آموزه امام است...	سیاست خارجی شما (بازی در میدان مستکبران) مغایر با آموزه های امام است.	مغایرت سیاست خارجی دولت های پیشین (هاشمی، خاتمی و موسوی) با نوع مورد قبول امام.
۲۱	تنش زدایی دولت قبل به جایی رسید که تمام تأسیسات هسته ای ما به طور کامل تعطیل شد و دو قرارداد بر ملت ما تحمیل شد...	سیاست "تنش زدایی" شما، باج دادن است و عزت آفرین نیست.	مغایرت سیاست خارجی دولت های پیشین (هاشمی، خاتمی و موسوی) با نوع مورد قبول امام.
۲۲	در سعدآباد، در بروکسل، در پاریس چه گذشت جناب آقای موسوی! امروز ما هسته ای شدیم.	در دولت نهم، ایران هسته ای شد.	تئوریزه کردن ناکامی هسته ای دولت خاتمی.
۲۳	بوش بعد از این همه همکاری در افغانستان و در موضوع هسته ای [دوره خاتمی] اعلام کرد ایران محور شرارت است، امروز رسماً اعلام می کند ما به دنبال براندازی نیستیم...	در دوره خاتمی که ایران "محور شرارت" خوانده شد، آبروی ایران رفت؛ نه در دولت ما.	عزت مندی سیاست خارجی دولت نهم در مقابل سیاست خارجی دولت خاتمی و تبعات آن.
۲۴	با طرح دو سؤال درباره هولوکاست، تمام نظام حقوق بشری غربی زیر سؤال رفته. اسرائیلی ها فریاد می زنند، غربی ها هم... بعضی دوستان هم می گویند آبروی ایران رفت.	موضع موسوی و همفکرانش درباره هولوکاست، مشابه اسرائیلی ها و آمریکایی هاست	تئوریزه کردن "موضع گیری های دشمن پسند" موسوی و حامیانش.
۲۵	امروز تهدید برای همیشه از ایران برطرف شده است.	در دولت ما، دشمن جرات تهدید ایران را از دست داد.	قطب بندی در مقابل سیاست خارجی موسوم به تنش زدایی دولت خاتمی و تبعات آن.
۲۶	اگر نگاه آقای موسوی این است که ما باید سعی کنیم چهار قدرت بزرگ را راضی کنیم، این برخلاف نظر امام، برخلاف منطق ایران و استقلال ماست...	سیاست خارجی مورد قبول موسوی، ذلت آور است؛ نه عزت بخش.	تئوریزه کردن "مغایرت سیاست خارجی مورد قبول موسوی با سیاست خارجی مورد قبول امام (ره)".
۲۷	در چهار سال، ۶۰ رئیس دولت به ایران سفر کردند، در هیچ دوره ای سابقه نداشته، عزیز نیستیم؟	ارتباط با توده ها عزت آور است؛ نه چند قدرت بزرگ.	محدودیت سیاست خارجی دولت های پیشین، به ارتباط با چند کشور بزرگ.
۲۸	تورم ۴۹ و نیم درصد دولت هاشمی و بحران های اجتماعی ناشی از تحریم های دولت کلینتون علیه ایران، جریان برانداز ۱۸ تیر و تحصن مجلس ششم، شما را نگران نکرد؟	شما کاستی های دولت های حامی خود را ندیده گرفتید.	تئوریزه کردن "ادعای دروغین دلسوزی از سوی موسوی".

ادامه جدول ۱ - جمع بندی سه مرحله اول تحلیل گفتمان احمدی نژاد در مناظره با موسوی

ردیف	برداشت از اصل متن (سطح-سطح)	جهت گیری و گرایش متن (سطح-عمق)	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن (عمق-سطح)
۲۹	سیاست خارجی دولت، برآمده از متن مردم و خط امام و عزت آفرین است. امروز مسأله هسته ای ایران، مسأله دسته دهم در دنیا شد...	شما، مسئله هسته ای را مسئله اول دنیا کردید.	تئوریزه کردن " شکست هسته ای دولت خاتمی " و عزت آفرین بودن سیاست هسته ای دولت نهم.
۳۰	در همین تهران، مقاله نوشتند که دوران امام تمام شده... سکوت کردید و امروز می گوید از مسیر امام انحراف اتفاق افتاده!	شکستن سکوتتان در " این " دوره، صادقانه نیست.	تئوریزه کردن دوری موسوی از خط امام.
۳۱	ستاره دار شدن برخی دانشجویان به زمان معین (وزیر آموزش عالی خاتمی) برمی گردد. اطلاعاتتان از روی بی اطلاعی است.	بدعت ستاره دار شدن دانشجویان، کار شماسه؛ نه ما.	سیاست فرهنگی بسته دولت موسوی.
۳۲	چرا شما خیال می کنید آنهایی که برای شما جمع می شوند فقط آمدند؟ فقط مردم ایرانند؟ اتفاقاً شما دارید جدا جدا می کنید.	مردم، حامی دولت هستند.	تصور اینکه مردم، حامی دولت نیستند، تصوری غلط است.
۳۳	با شما هم نظرم... به وزیر ارشاد هم تذکر داده ام. اما جناب آقای موسوی، هشت سال نخست وزیر بودید، تنها یک روزنامه منتقد وجود داشت؛ خود جنابعالی چند بار علیه روزنامه صحبت کردید؟ کدام دیکتاتوریم؟	شما، روحیه مدارا با منتقد (مخالف) را نداشته اید.	تئوریزه کردن استبداد موسوی.
۳۴	این ها همه تیرهای توهین آمیزی است که در مدت چهار سال به من و به دولت زده اند و تحمل کرده ایم.	برعکس شما، ما روحیه مدارا با منتقد (مخالف) را داشتیم.	حامیان شما، چون اهل مدارا نبودند، چهار سال توهین کردند.
۳۵	در زمان آقای هاشمی و خاتمی، کسی مگر می توانست یک کلمه انتقاد کند. در زمان آقای خاتمی، همان علمایی که جنابعالی می فرمایید، یکی شان اظهار نظری می کرد، کاریکاتورشان را می کشیدند که بعد از ملی شدن نفت دیگر نداشتیم کسی علیه علمای کاریکاتور بکشد.	حامیان شما هم، روحیه مدارا با منتقد (مخالف) را نداشتند.	نبود روحیه مدارا، کار شما را حتی به توهین بی سابقه علیه علما کشاند.
۳۶	در دانشگاه که هیچ وقت سابقه نداشته است، پژوهشگر نمونه کشور علیه سیاست های پژوهشی، مقاله نوشت. آنچنان مدیریت دانشگاه او را له کرد...	حامیان شما هم، روحیه مدارا با منتقد (مخالف) را نداشتند.	روحیه مدارا، حتی در دانشگاه های شما نبود.
۳۷	دختر آقای هاشمی در جلسه ای در حضور همسر شما و جناب آقای خاتمی می گوید: دوره اصلاحات ادامه راه سازندگی است، در این دولت آسیب دیده ما موسوی را می خواهیم برای اینکه استمرار همان راه است.	موسوی، متحد روسای دول قبلی (هاشمی و خاتمی) است.	شما با اشرافیت هاشمی متحد شده اید (به تنهایی در مقابل سه دولت گذشته قرار دارم).
۳۸	باور ما این است که صحنه گردان اصلی، اصلاً آقای هاشمی است بالاخره ما می بینیم چه کسی رئیس ستاد انتخاباتی چه کسی است؟...	هاشمی، مدیر پروژه انتخاباتی موسوی است.	به سبب مخالفت با هاشمی، اقبال عمومی با موسوی نخواهد بود.
۳۹	تحمل مخالف، در این دولت چه خبر است اینها فقط تیرهاست، ۳۲۰ هزار تیر توهین آمیز علیه دولت، ما نه یک روزنامه ای را بستیم، نه تهدید کردیم... یادمان نرود چه بود در سه دولت (گذشته).	ما در مقابل مخالفان، بیشترین مدارا را داشتیم.	تئوریزه کردن و قطب بندی در مقابل سیاست فرهنگی دولت موسوی.
۴۰	رابطه این دولت با علما رابطه ای به مراتب بسیار خوب است. معنای این ادعا، نقض حریت نیست؟ اما کسانی که نظرشان را نسبت به مسائل اصلی و فکری بیان نکردند، چطور روی این مسائل جزئی انگشت می گذارند...	برخلاف ادعاها، رابطه دولت با علما خوب است.	رابطه با علما امری جزئی است که موسوی بزرگ می کند؛ در حالی که خودش در مبنای اساسی تردید دارد.
۴۱	در قضیه انتخاب کابینه، برخلاف قانون اساسی، حداقل اختیارات رئیس جمهور را با فضا سازی از او گرفتند [...]. در مجلس کسی جرات داشت علیه شما حرفی بزند؟ این فضای تحمل است؟ دولت بعدی هم همین طور است.	موسوی و متحدانش در مقابل قانون، از خود استبداد نشان داده اند.	تئوریزه کردن استبداد موسوی و متحدانش در زمان حکومتشان و تحمل نکردن مخالفان.

ادامه جدول ۱ - جمع بندی سه مرحله اول تحلیل گفتمان احمدی نژاد در مناظره با موسوی

ردیف	برداشت از اصل متن (سطح-سطح)	جهت گیری و گرایش متن (سطح-عمق)	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن (عمق-سطح)
۴۲	موضع گیری مرا درباره هولوکاست، هم رهبری و هم ملت تایید کرد. شما چرا خودتان را جای نظام می نشانید؟	موضع گیری من، در مورد هولوکاست را کل نظام تایید کرد.	"مغایرت سیاست خارجی مورد نظر موسوی با سیاست خارجی مورد تایید نظام".
۴۳	دولت را به بی قانونی متهم می کنید! ولی ۹۵ میلیارد تومان از حساب بانک مرکزی در دولت شما بدون مصوب مجلس، آن هم در تعطیلات تابستانی مجلس برداشته شد.	بی قانونی، کار شماست؛ نه ما.	تئوریزه کردن "قانون گریزی موسوی".
۴۴	استناد شما فقط به یک مصوبه مجلس (قانون شوراها) است که شورای نگهبان می گوید این مسئله خلاف قانون اساسی است و مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را می پذیرد.	مرجع رسیدگی به قانون گریزی، دیوان عدالت اداری به تبعیت از قانون است؛ نه شما.	تبرئه دولت از اتهام قانون گریزی.
۴۵	آقایان سه چهار ماه است که همه با هم حمله می کنند؛ اما ۴۵ دقیقه فرصت می دهید آن هم برای ۳ نفر در برابر ۱ نفر.	تکرار ادعای تبانی سه دولت قبل در مقابل رئیس جمهور.	تئوریزه کردن اتحاد رقبا در مقابل احمدی نژاد.
۴۶	طبق اسناد موجود، در دولت قبل تعداد مصویات باطل شده ۳۰۳ مصوبه بوده اما در دولت نهم ۱۵۷ مصوبه.	ما قانون گریز نیستیم.	تئوریزه کردن قانون گریزی موسوی.
۴۷	در دوره شما از این اتفاقات کم رخ نداد، اما می گوئید ما در پی پرونده سازی هستیم؟	پرونده سازی، کار ما نیست (کار شماست).	تبرئه دولت از "اتهام پرونده سازی برای موسوی و حامیانش".
۴۸	از سال ۷۰ به بعد در دوره آقای هاشمی که حامی شماست، موجی در مدیران به وجود آمد که همه می خواستند دکترا بگیرند... و کردان نیز یکی از همانها بود.	مقصر اصلی کردان نیست؛ حامی شما (هاشمی)، مقصر است.	تئوریزه کردن قانون شکنی حامیان آقای موسوی.
۴۹	در مجلس اعلام کردم مدرک کردان را کنار بگذارید و عملکرد وی را بررسی کنید.	عملکرد کردان خوب بود.	اساس قانون شکنی کردان، از شماست.
۵۰	محصولی در دوره آقای هاشمی و خاتمی در کار اقتصادی وارد و پولدار شده. اما آقای موسوی! بسیاری از مدیران شما و آقای هاشمی دست خالی آمدند و با امتیاز دلار ۷ تومانی یا واردات و صادرات، میلیارد شدند. کدام یک از وزرای بنده در دوره وزارتتان میلیارد شدند یا رانتی را خورده و ملکی را گرفتند؟	حامیان شما، فساد (تخلقات) اقتصادی دارند؛ نه نزدیکان ما.	تئوریزه کردن "قانون شکنی حامیان موسوی".
۵۱	کجا این دولت اعلام کرده قانون را نمی پذیریم... [در اینجا پرونده خانمی وجود دارد که شما آن را می شناسید (زهرا رهنورد). این فرد برخلاف همه قوانین کشور همزمان که کارمند بوده، دو رشته فوق لیسانس خوانده...] و این گونه مسائل، بی قانونی است و من با این گونه مسائل مخالفم... [و دولت ما قانونمداثرترین است.	هیچ گاه عمل غیر قانونی انجام ندادیم [ولی] نزدیکترین افراد به شما، سابقه گریز از قانون دارند.	قطب بندی قانون گریزی موسوی در مقابل احمدی نژاد.
۵۲	برخلاف گفته برخی که «در این دوره اقتصاد ضربه خورده» بهترین وضع اقتصاد در مقایسه با گذشته و با دوره شماست.	وضع اقتصادی ما از دولت های گذشته بهتر است.	قطب بندی وضع اقتصادی در مقایسه با دولت های گذشته.
۵۳	امام راحل، گزینش ها را در زمان چه کسی منحل کرد؟ فرمان ۸ ماده ای برای جناب عالی صادر شد نه برای این دولت	در "زمان شما" باید گزینش ها منحل می شد	تئوریزه کردن سیاست فرهنگی بسته دولت موسوی

محورهای عمیق تر گفتمان احمدی نژاد که در عین حال دارای جنبه های تدافعی، تهاجمی و افشاگری هم بوده، بر چهار پایه اساسی استوار است:

اجتماعی و حتی تاریخی در برگیرنده متن مناظره، پی برد که این ها، جزء همان ساختارهای کلانی هستند که عمیق ترین لایه متن یعنی «عمق عمق» را شکل می دهند.

جدول ۳- جمع بندی دو مرحله چهارم و پنجم (مراحل عمیق و عمیق تر) تحلیل گفتمان احمدی نژاد و موسوی

احمدی نژاد (محورهای عمیق)	موسوی (محورهای عمیق)
۱. دفاع از عملکرد دولت نهم	۱. تئوریزه کردن ناکارآمدی دولت نهم
برتر بودن دولت نهم در عدالت و خدمت.	مردم هم نتیجه گرفته اند که دولت موفق نبود.
برخلاف ادعاها، پیشرفته و عزت مندیم.	مردم برای دفع خطر، به کسی رای خواهند داد که برای مواجهه با خطر، وارد صحنه شده است.
غلط بودن ادعای حمایت نکردن مردم از دولت.	ضعف احمدی نژاد در تحقق آرمان‌ها.
بهبود وضع اقتصاد در مقایسه با دولت‌های قبل.	در دولت من (زمان امام) به مردم سخت نگذشت.
۲. نقد عملکرد دولت موسوی (دولت جنگ) و حامیانش	۲. از دست رفتن مقبولیت احمدی نژاد؛ در نتیجه سیاست فرهنگی بسته
بسته بودن سیاست‌های فرهنگی (توقیف روزنامه منتقد در دوره نخست وزیری).	مردم دوراندیش و ارزشی، به احمدی نژاد رای نخواهند داد.
استبداد موسوی در دوره نخست وزیری (تحمل نکردن حق قانونی ریاست جمهور وقت در اعمال نظر نسبت به وزرا).	فاصله گرفتن احمدی نژاد از فرهیختگان و روشنفکران، جوانان، هنرمندان، مرجعیت و روحانیت و عموم مردم.
توهین بی سابقه به علما (کشیدن کاریکاتور) و انتقادناپذیری در دانشگاه در دوره خاتمی؛ به سبب نبود روحیه مدارا.	تقسیم مردم به خودی و غیر خودی؛ برخلاف نص صریح قانون ۸ ماده ای امام (ره).
۳. مغایرت مواضع سیاست خارجی موسوی و حامیانش با دیدگاه امام (ره)	ممیزی سخت‌گیرانه و کساد شدن وضع نشر.
افراط و تفریط در مواضع گذشته و حال موسوی.	۳. افراط و تفریطی بودن سیاست‌های احمدی نژاد و تبعات آن
تئوریزه کردن شیفتگی قدرت در موسوی.	تئوریزه کردن خطر احمدی نژاد برای ایران.
فاصله گیری موسوی و حامیانش از مسیر انقلاب و ارزش‌ها و شایسته نبودن او برای حکومت.	تئوریزه کردن مدیریت خیال‌پردازانه احمدی نژاد.
همسویی سیاست خارجی موسوی با "موضع" دشمن و مغایرت با نظر رهبری و ملت (قضیه هولوکاست).	بی‌اعتنایی دولت به مشکلات مردم، در اثر افراطی‌گری (خاتمه‌دهنده افراط و تفریط‌های دولت هشتم).
تئوریزه کردن ناکامی سیاست تشش زدایی خاتمی و شکست هسته ای دولت او و عزت آفرینی هسته ای دولت نهم.	ضعف احمدی نژاد در تحقق آرمان‌های انقلاب؛ برای تحقق عزت و پیشرفت.
محدود بودن سیاست خارجی دولت قبل به چند کشور بزرگ و نه توده ملت‌ها.	مخدوش شدن عزت ایران توسط دولت نهم.
۴. قانون شکنی موسوی و حامیانش	۴. استبداد و قانون گریزی دولت نهم در مغایرت با آموزه‌های امام (ره)
برداشت غیر قانونی از حساب بانک مرکزی در دوره نخست وزیری و تخلف اقتصادی حامیانش (و تیرنه دولت نهم از این اتهام).	بی‌توجهی به خرد جمعی و دیدگاه بزرگان نظام (مجمع تشخیص مصلحت نظام) و منتهی شدن آن به دیکتاتوری.
بازگشت اساس قانون شکنی در مدرک کردان به دولت هاشمی و ورود محصولی به کار اقتصادی، در دوره هاشمی و خاتمی.	نتیجه قانون گریزی دولت، استبداد، استعمار و بی‌تفاوتی مردم نسبت به قانون گریزی است.
۵. کارشکنی و تخریب علیه دولت نهم	تئوریزه کردن خودمحموری و قانون گریزی شخص احمدی نژاد.
بزرگنمایی مشکلات کشور به قصد تخریب (دروغین بودن ادعای دلسوزی موسوی).	متوسل شدن به نهادهای فرودست (مثل مجلس) برای گریز از قانون.
توهین‌های ۴ ساله و تخریب سیاسی حامیان موسوی علیه دولت (قضیه نامه هاشمی...).	دخالت‌های بیجا، خودرایی، عمل فراتر از قانون و بحران آفرینی دولت.
ناآگاهی سیاسی، قضاوت مغرضانه و پاناشی از اطلاعات غلط (قضیه آزادی ملوان‌ها و...).	قانون گریزی و سوء استفاده از امکانات دولتی و شرایط نابرابر استفاده از صداوسیما برای تبلیغات انتخاباتی.
تیرنه دولت از اتهامات قانون گریزی و پرونده سازی (مقابل کارشکنی‌ها ایستادیم و اکنون نیز می‌ایستیم).	پرونده سازی دولتمردان نهم به جای حل مشکلات و بحران‌ها (مغایرت با آموزه‌های امام).
مخالفت مردم با هاشمی، مانع اقبال عمومی به موسوی است.	۵. فراقکنی احمدی نژاد برای کسب مجدد قدرت
اتصال موسوی به مافیای قدرت و ثروت؛ خاصه با اشرافیت هاشمی.	پیوند خوردن نامربوط مفاسد دول قبل با سرنوشت من؛ از سوی احمدی نژاد.
مثل انتخابات نهم (غلبه ملت، بر مافیای قدرت و ثروت) تنه‌ایم (رویاریی با ۳ دولت قبل).	گستاخی احمدی نژاد در افشاکاری علیه بزرگان نظام.
بزرگ کردن بی‌جهت نقصان در رابطه دولت با علما؛ در عین داشتن تردید در مسائل مبنایی.	از دست رفتن صلاحیت احمدی نژاد برای تصدی ریاست جمهوری، به علت شکستن سوگند حفظ آبروی ملت و ...

غیرقانونی موسوی از حساب بانک مرکزی در زمان نخست‌وزیری‌اش و نیز ریشه‌دار بودن قضایای کردان و محصولی در گذشته (دوران هاشمی و خاتمی) اشاره کرده است و بدین صورت، باز هم تبانی (اتحاد) سه دولت علیه خودش را القا کرده است.

در واقع احمدی نژاد، مجموعه‌ای از تخلفات به زعم او، عملکردی و حزب و جناحی موسوی را مستمسک نقد او قرار داده تا اثبات کند نخست وزیر اسبق ایران، امروز صلاحیت سکандاری ریاست جمهوری کشور ندارد.

از سوی دیگر، محورهای عمیق‌تر گفتمان موسوی، بر پنج پایه اساسی استوار است:

۱. تئوریزه کردن ناکارآمدی دولت نهم: موسوی برای اثبات ادعای ناکارآمدی دولت نهم، به تئوریزه کردن ضعف احمدی نژاد در تحقق آرمان‌های انقلابی امام و ملت ایران پرداخته است و با تداعی مشکلات ناشی از چهار سال دولت او و ضمن تلقین ضعف‌های مدیریتی و ناکامی‌های این دولت، خود را دفع‌کننده «خطر»ی معرفی کرده است که نتیجه مدیریت احمدی نژاد است. از سوی دیگر، او با بهره‌گیری از قطب بندی، مدیریت [گذشته] خود را از نظر مردم، رضایت‌بخش توصیف کرده است.

۲. از دست رفتن پایگاه احمدی نژاد: موسوی برای اثبات ادعای «از دست رفتن مقبولیت احمدی نژاد در نزد مردم»، پیش از هر چیز، شکاف ارتباطی ایجاد شده بین دولت و گروه‌های مرجع (نخبگان جامعه) را به سیاست فرهنگی «بسته» دولت نسبت داده است؛ چیزی که می‌توان آن را مسبب اصلی تخفیف پایگاه او در میان اقشار جامعه هم به حساب آورد. همچنین ادعای موسوی مبنی بر اینکه «مردم دوران‌دیش و ارزشی، به احمدی نژاد رای نخواهند داد»، مردم را در موقعیتی قرار داده است که باید با رای ندادن به احمدی نژاد، دوران‌دیشی و ارزش‌مداری خود را اثبات کنند.

۳. افراط و تفریطی بودن سیاست‌های احمدی نژاد و تبعات آن: موسوی بر مدیریت خیال‌پردازانه احمدی نژاد، در کنار مخدوش شدن عزت ایران و بی‌اعتنایی به مشکلات واقعی مردم در دولت او اشاره کرده و ضمن اسناد دادن این مشکلات به سیاست‌های افراط و تفریطی احمدی نژاد، خود را خاتمه‌دهنده به این روند نامطلوب معرفی کرده است.

۱. دفاع از عملکرد دولت نهم و تئوریزه کردن کارشکنی و تخریب علیه دولت نهم: احمدی نژاد در دفاع از عملکرد دولت، با بهره‌گیری از قطب بندی، خود را برخلاف موسوی، دارای برنامه برشمرده و وضع اقتصادی کشور را نسبت به دولت‌های گذشته، بهبودیافته‌تر خوانده است. همچنین با تاکید بر عدالت‌محوری و خدمت‌محوری دولت، ادعای موسوی را درباره مخدوش شدن عزت ملی و پیشرفت ایران در دولت نهم، رد کرده است. وی برای تئوریزه کردن کارشکنی و تخریب علیه دولت نهم، به شرح علل آن (ناآگاهی سیاسی یا قضاوت مغرضانه یا غلط) و توصیف چگونگی آن (بزرگنمایی مشکلات کشور) پرداخته است و با قرار دادن «اتحاد سه دولت قبلی» و توهین‌های چهار ساله آنها مقابل «مردم»ی که چهار سال قبل به او رای داده‌اند، ضمن دروغین خواندن دلسوزی‌های موسوی، دولت خود را از اتهامات پرونده‌سازی و قانون‌گریزی، تبرئه کرده است. او همچنین سعی کرده تا برای القای «انکار خدمات دولت نهم از سوی موسوی»، آن را به شیفتگی موسوی به قدرت، نسبت دهد.

۲. نقد عملکرد دولت موسوی (دولت جنگ) و حامیان‌ش: احمدی نژاد برای نقد عملکرد دولت جنگ، بر «بسته بودن سیاست‌های فرهنگی» و «استبداد» موسوی از یک سو و «نقدناپذیری» و «توهین بی‌سابقه به علما» در دولت خاتمی، از سوی دیگر تاکید کرده است.

۳. نقد مواضع سیاسی موسوی و حامیان‌ش: نقد احمدی نژاد بر مواضع سیاسی موسوی و حامیان‌ش- که بر موضوع سیاست‌خارجی تمرکز یافته است- در واقع براساس «عزت‌آفرینی» سیاست‌خارجی دولت نهم در مقابل ذلت بار بودن سیاست‌خارجی مورد نظر موسوی و حامیان‌ش استوار شده است. او برای اثبات ادعای خود، با بهره‌گیری از قطب بندی، ضمن افراط- تفریطی قلمدادکردن مواضع گذشته و حال موسوی و ادعای فاصله‌گیری او از مسیر انقلاب و ارزش‌ها (همسویی با دشمن)، سیاست‌خارجی مورد نظر او را، مغایر با دیدگاه امام(ره)، رهبری و ملت معرفی کرده است.

۴. قانون‌شکنی موسوی و حامیان‌ش: احمدی نژاد برای اثبات ادعای قانون‌شکنی موسوی و حامیان‌ش، که در بحث «تخلف اقتصادی» تمرکز می‌یابد، به برداشت

حاضر در پرریننده‌ترین و حساس‌ترین مناظره انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران، متن اظهارات آن دو، در پنج سطح توصیف، تفسیر و تبیین و در قالب جداول سه مرحله‌ای (شامل سطح سطح، عمق سطح و سطح عمق) و سپس سطوح عمیق و عمیق‌تر بررسی شد.

براساس نتایج، در این مناظره، موسوی برای اثبات ناکارآمدی دولت نهم، به تئوریزه کردن ضعف احمدی‌نژاد در تحقق آرمان‌های انقلابی امام و ملت ایران پرداخت و ضمن القای ضعف‌های مدیریتی و ناکامی‌های دولت، خود را دفع‌کننده «خطر» ناشی از این نوع مدیریت معرفی کرد. مقبولیت احمدی‌نژاد را در نتیجه سیاست فرهنگی بسته‌اش، از دست رفته دید و آن را به شکاف ارتباطی ایجاد شده بین دولت و گروه‌های مرجع (نخبگان جامعه) نسبت داد. همچنین بر مدیریت خیال‌پردازانه احمدی‌نژاد و تبعات منفی سیاست‌های افراط و تفریطی‌اش تأکید کرد. او همچنین بر تبعات بی‌توجهی احمدی‌نژاد به خرد جمعی و تمکین نکردن به قانون تأکید کرد و این استبداد و قانون‌گریزی دولت را مغایر با آموزه‌های امام (ره) دانست. در نهایت، او احمدی‌نژاد را برای کسب مجدد قدرت، متهم به فرافکنی کرد و صلاحیت او را به سبب طرح ادعاهای ثابت نشده و غیرقانونی، زیر سوال برد.

احمدی‌نژاد هم برای دفاع از عملکرد دولت و تئوریزه کردن کارشکنی علیه آن، ضمن بهره‌گیری از قطب بندی، خود را برخلاف موسوی، دارای برنامه برشمرد و وضع اقتصادی کشور را نسبت به دولت‌های گذشته، بهبودیافته‌تر خواند. با تأکید بر عدالت‌محوری و خدمت‌محوری دولت، و ضمن طرح ادعای «اتحاد سه دولت قبلی» و ضمن دروغین خواندن دلسوزی‌های موسوی، دولت خود را از اتهاماتی همچون قانون‌گریزی و پرونده‌سازی هم تیره کرد. عملکرد دولت جنگ موسوی و حامیانش را نقد کرد و مواضع سیاسی آنان را ذلت‌بار و مغایر با دیدگاه امام (ره)، رهبری و ملت، و مقابل «عزت‌آفرینی» سیاست خارجی دولت نهم معرفی کرد و در نهایت، قانون‌شکنی موسوی و حامیانش را نیز با اشاره به برداشت غیرقانونی موسوی از حساب بانک مرکزی در زمان نخست‌وزیری‌اش و نیز ریشه‌دار بودن قضایای کردان (جعل مدرک تحصیلی...) و پولدار شدن محصولی در دولت‌های گذشته (دوران هاشمی و خاتمی) تئوریزه کرد. البته همان طور که انتظار می‌رفت، رویارویی دو نامزد

۴. استبداد و قانون‌گریزی دولت نهم در مغایرت با آموزه‌های امام (ره): به اعتقاد موسوی، بی‌توجهی احمدی‌نژاد به خرد جمعی؛ یعنی رویه‌ای که او در مقابل بزرگان نظام در پیش گرفته، و تمکین نکردن او به قانون، تبعاتی جز استبداد و و استعمار و بی‌تفاوتی مردم نسبت به قانون‌گریزی و حتی بروز بحران نخواهد داشت و مغایر با آموزه‌های امام (ره) است. البته موسوی، ضمن طرح چند رفتار غیرقانونی دولت، با تئوریزه کردن «خودمحوری و قانون‌گریزی» شخص احمدی‌نژاد، درصدد بوده است تلقین کند که ریشه استبداد و قانون‌گریزی دولت نهم، روحیات شخص احمدی‌نژاد است.

۵. فرافکنی احمدی‌نژاد برای کسب مجدد قدرت: موسوی با تأکید بر نامربوط بودن مفاسد احتمالی دولت‌های گذشته با سرنوشت خودش، آن را فرافکنی احمدی‌نژاد برای کسب مجدد قدرت و طرح ادعاهای ثابت نشده و غیرقانونی او را نیز دور از ادب قلمداد کرده است؛ به طوری که حتی می‌توان آن را برای رد صلاحیت او برای ریاست جمهوری، به عنوان یک دلیل روشن اقامه کرد. موسوی هم برای اثبات ناکارآمدی احمدی‌نژاد، هم صلاحیت‌های شخصیتی و فردی و هم عملکردی او را مورد نقد قرار داده و تا آنجا پیش رفته که رئیس دولت نهم را که نزد افکار عمومی، انقلابی و در خط امام (ره) شمرده می‌شد، از همان ناحیه نقد کرده و روحیات و رفتارهای سیاسی او را مغایر با آموزه‌های امام راحل معرفی می‌کند.

نتیجه‌گیری

مناظرات انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم در شرایطی برگزار شد که محمود احمدی‌نژاد، دوره چهارساله نهم را در این مسند گذرانده و طبعاً عملکردش زیر ذره بین نقد رقبا قرار داشت.

همان طور که تصور می‌شد، در این مناظره‌ها مجالی برای بررسی و نقد عملکرد اقتصادی، سیاست داخلی و خارجی و به طور کلی، مدیریت دولت او پیش آمد.

چهار نامزد حاضر در انتخابات دهم که احمدی‌نژاد، رئیس دولت نهم نیز جزو آنان بود، در قالب شش مناظره دو به دو، مقابل یکدیگر قرار گرفتند که در مقاله حاضر، به جدی‌ترین مناظره این دوره پرداخته شد.

رای تعیین محورهای مهم یا عمیق‌تر گفتمانی دو نامزد

به بحث‌ها یا پیش‌رفت در بحث‌ها، در اغلب موارد، جنجال‌آفرین و مناقشه‌برانگیز بود. گواه این ادعا، حجم بالای پروپاگاندای نامزدها در تقابل با یکدیگر و اهتمام نوزیدن آنان به روشنگری است؛ به طوری که حتی در مواردی هم که بحث‌ها آرام‌تر و منطقی‌تر پیش می‌رفت، غالباً نامزدها به جای اثبات خود، به نفی صرف دیگری پرداختند.

برجسته، آن هم در شرایطی که یکی از آنان، در عین حضور در رقابت انتخاباتی، رئیس دولت فعلی هم بود، توانست بخش عمده‌ای از این مناظره [و حتی دیگر مناظره‌ها] را به سمت انتقاد از عملکرد رئیس دولت فعلی سوق دهد که به دنبال آن، پاسخ‌های او به این انتقادات هم، سطح چالشی بحث‌ها را افزایش داد.

صرف‌نظر از محتوای محض مناظره‌ها، نحوه ورود

پی‌نوشت‌ها

1. presidential debate
2. debate
3. discourse
4. Mac Donell

5. Discourse Analysis
6. Comprehensive Meaning
7. Benvensite
8. Representation

9. Practical Discourse Analysis Method (PDAM)

منابع و مأخذ:

سید امامی، کاووس (۱۳۸۸). مقاله تلویزیون و انتخابات ریاست جمهوری در ایران، تهران: فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۱۶ (۵۷)، صص ۹۱-۶۳.

غرویان، حمیده (۱۳۸۷). فن مناظره (آداب جدل در منطق، آیات و روایات)، قم: دارالعلم.

فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲). راه دراز گذار- تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، تهران: فرهنگ و اندیشه.

گلبخشی، حسن (۱۳۸۷). تحلیل گفتمان اخبار سایت‌های بی‌بی‌سی و رادیوفردا درباره بازداشت ملوانان انگلیسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صداوسیما.

لاکلا، ارنستو (۱۳۷۹) و اسازی، عملگرایی، هژمونی، ترجمه: جواد علی صدوقی، تهران: فرهنگ گفتمان.

مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

میرفخرائی، تژا (۱۳۸۳). فرایند تحلیل گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

یورگسن، ماریان و فیلیپس، لوتیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی تهران: چاپار [ویرایش ششم]

استوکر، جری و مارش دیوید (۱۳۸۴)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه: امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

انتخابات آمد، نامزدها به پیش؛ مردم برگزینند (۱۳۸۸). دوهفته‌نامه خبری-تحلیلی پنجره، سال اول، ش ۳.

بشیر، حسن (۱۳۹۵). دیپلماسی گفتمانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

بشیر، حسن و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۸۸). "مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سرمقاله‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس هشتم. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۱۶ (۵۷)، ۱۱۴-۹۳.

بشیر، حسن (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها. تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع). (۴)

پاکتچی، احمد (۱۳۹۱) نقد متن، تنظیم و ویرایش: صالح زارعی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

Laclau, E. & Mouffe, C. (1985) *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, London: Verso.

Fairclough, N. (1991) *Language and Power*, London and New York: Penguin.

Jaworski, Adam & Coupland, Nikolas. (1999) *The Discourse Reader*, London: Routledge.

Gee, James Paul. (1999) *An Introduction to discourse analysis: Theory and method*, Routledge.